

## جمهوری آذربایجان و ژئوپلیتیک شیعی

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران  
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

ایراس

نویسنده: الیاس واحدی

چندی است که موضوع هلال شیعه و جلوگیری از شکل گیری آن به یکی از اولویت های اصلی امریکا، اسرائیل و برخی کشورهای عربی تبدیل شده است. صرفه نظر از بودگی و امکان تحقق این مسئله، امریکا و اسرائیل با ابراز نگرانی بیش از پیش از خطر اتحاد شیعیان و بهانه کردن این موضوع، سعی در همراه کردن سایر کشورها برای تأمین منافع توسعه طلبانه خود دارند. در این میان جمهوری آذربایجان به سبب جایگاه خاص آن در ژئوپلیتیک شیعه، یکی از اهداف اصلی امریکا، اسرائیل و برخی دول عربی برای نفوذ گذاری در آن و ممانعت از افزایش پیوستگی های این کشور با دیگر جغرافیاهای شیعه بوده، به نحوی که در برخی تحلیل ها بعد از عراق از جمهوری آذربایجان به عنوان دومین هدف اولویت دار در این زمینه یاد می شود.

مقدمه

جمهوری آذربایجان با دارا بودن 97 درصد جمعیت مسلمان- که از این میزان بیش از 70 درصد دارای مذهب شیعه هستند- از دیرباز ودر پیوند با مناطق آذری نشین شمال غرب ایران پایگاه مهمی برای مذهب شیعه محسوب می شد. با جدایی این سرزمین از خاک اصلی کشور ایران در دوران قاجار، در ابتدا مردم این مناطق تحت فشار سیاست های ضد اسلامی و مسیحی روسیه تزاری بودند. آزارواذیت شیعیان به ویژه روحانیون در آن زمان از برگ های سیاه تاریخ امپراتوری تزار روس شمرده می شود. مقاومت های مردم در سرزمین آذربایجان و نیز تغییر سیاست امپراتوری تزار در برهه ای از تاریخ - که به سبب رویارویی با امپراتوری عثمانی سنی مذهب، تزارها دست از سرکوب مذهبی شیعیان آذری برداشتند &ndash; با پایداری مذهب شیعه منجر شد تا این که دومین ضربه به مذهب شیعه در دوران سلطه نظام کمونیستی وارد شد، ضربه ای که شدیدتر و عمیق تر از جنایات تزارها بود.

در مدت بیش از 70 سال حاکمیت ایدئولوژی کمونیسم، نسلی در آذربایجان و سایر نقاط اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمدند که تا حدود زیادی با دین و مذهب بیگانه بودند. پس از فروپاشی شوروی، به رغم اشتیاق همراه با حس نوستالژیک قوی مردم جمهوری آذربایجان نسبت به احیاء ارزشهای دینی مذهب تشیع و پیوند عاطفی با ایران، وقوع جنگ قره باغ و نفوذ غرب در این کشور، مانع از این شد که این علاقه وافر توده مردم به مثابه فرصتی طلایی، زمینه ساز توسعه مناسبات و پیوند با ایران شود و در این میان شیعه گری آذربایجان از کانون سیاسی &ndash; اجتماعی شیعه گری دور ماند و تلاش های صورت گرفته در این زمینه بسیار اندک بود و نتیجه لازم را در پی نداشت.

پویایی و عدم پویایی شیعی در آذربایجان

در سال های اخیر که به رغم تلاش های صورت گرفته، مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان نتوانسته شکل واقعی خود را یافته و به حد مورد انتظار برسد، سیاست های ضد دینی دولت جمهوری آذربایجان که به نوعی بازتاب سرخوردگی های سیاستمداران آذری از جهان اسلام وامید بستن غیر واقعی به جهان سکولار غرب است، فشار زیادی بر مذهب شیعه در این کشور وارد کرده است. در کنار رواج اندیشه سیاسی سکولار که منشاء آن از مناسبات گسترده آذربایجان با غرب و کشور ترکیه است، نوعی گرایش به سمت کشورهای سنی مذهب (مانند اردن ، عربستان، پاکستان و امارات متحده عربی) نیز در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان مشاهده می شود. مشخصه دیگر این کشورها علاوه بر سنی مذهب بودن هم سویی سیاست های آنها با غرب و آمریکاست.

هر چند جمهوری آذربایجان در کنار این مناسبات با ایران و کشورهایی که هم راستایی در سیاستهای منطقه ای با ایران دارند (مانند ترکیه و سوریه) نیز روابط در خور توجهی دارد، ولی مساله اینجا است که توسعه روابط باکو با کشورهای مسلمان سنی مذهب در کنار حمایت های آمریکا از این مناسبات و نیز نزدیکی باکو و تل آویو، این فرض را تقویت می کند که غرب، اسرائیل و جهان اسلام سنی به دنبال نفوذ و ایجاد پایگاه سیاسی- اجتماعی در منطقه شیعی و استراتژیک قفقاز هستند.

آنچه مسلم است، این که دنیای غرب به ویژه آمریکا و اسرائیل از اسلام شیعی به سبب نگرش های راهبردی در ایران و لبنان و نیز تحركات نوپای شیعی در عراق به مراتب بیشتر از اسلام سنی هراس دارند. دنیای سنی یا مانند مصر، اردن، عربستان و امارات متحده در سازگاری با سیاست های آمریکا و نوعی همراهی غیرمستقیم با اسرائیل هستند ویا مانند ترکیه کنونی به دنبال قرائت جدید و میانه رو از اسلام سیاسی هستند که در عین داشتن مشی مستقل از غرب، در محورهای مهمی نه تنها تضادی با برنامه های غرب ندارد، بلکه سبب تعدیل گرایش های افراطی اسلامی نیز می شود. از این رو طبیعی است که آمریکا و اسرائیل به تقویت نظام های سیاسی سنی محور در دنیای اسلام بپردازد و حتی از این طریق سعی در تضعیف دولت ها و گروه های شیعی داشته باشند.

اما آنچه آمریکا و اسرائیل را بیش از پیش نگران می کند، همگرایی نظام های شیعی و سنی در منطقه است که محافل غربی و برخی دول عربی با پیش کشیدن خطر هلال شیعی، سعی در مقابله با آن دارند و افزون بر تقویت گرایش های ضد شیعی در جهان سنی، به انشقاق در جغرافیای سیاسی شیعه نیز دست می یازند. در این میان جمهوری آذربایجان به سبب جایگاه خاص در ژئوپلیتیک شیعی همواره مدنظر این دو کشور است. جمهوری آذربایجان به سبب هم جوارگی با ایران و روسیه، موقعیت مکانی ممتاز در کرانه دریای خزر و ذخایر غنی هیدروکربن هدف خوبی برای واشنگتن و تل آویو محسوب می شود. شاید بتوان گفت؛ آذربایجان بعد از عراق دومین هدف اولویت دار غرب در این زمینه است. برخی از محورهای برنامه آمریکا و هم پیمانانش برای مقابله با تکمیل خانه های پازل ژئوپلیتیک شیعی که جمهوری آذربایجان قطعه مهمی در این زمینه به شمار می رود، عبارتند از:

- رواج ایران هراسی و بیم ازحاکمیت اسلام سیاسی و دولت دینی در منطقه

- ترویج اختلافات قومی و نژادی بین شیعیان کشورهای مختلف و زمینه سازی شکل گیری هویت های شیعی قوم مدار و ظهور مفاهیمی چون شیعه فارس، شیعه ترک و شیعه

عرب در امت شیعی

- ترویج نظام سیاسی سکولار در کشورهای شیعی

- انجام فعالیت های مسیونری برای تضعیف باورهای اسلامی جوامع شیعی توسط نهادهای غیر دولتی غربی نظیر بنیاد سوروس و... که اغلب با پوشش فعالیت های آموزشی در

زمینه های حرفه ای و علمی صورت می گیرد.

- تاثیر کشورهای سنی مذهب که برخی نظیر کشورهای عربی در پی نفوذ مذهبی در این کشور هستند.

با اوصاف گفته شده، در شرایط کنونی شیعه گری در جمهوری آذربایجان - که به رغم بسترهای مناسب نتوانسته گفتمان غالب در سیاست و جامعه این کشور درآید &ndash; از

سوی عوامل زیر تحت فشار است :

- نظام سیاسی غیر دینی و توتالیتر در کشور که محدودیت های زیادی برای آزادی های دینی جامعه ایجاد می کند.

- وجود یک الگوی پذیرفته شده خارجی به نام جامعه ترکیه که مروج لایبسم &ndash; کمالیسم از یک سو و اسلام گرایی میانه رو مبتنی بر آموزه های مذهب تسنن از سوی دیگر

است. در این زمینه گفتنی است که اسلامگرایی و شیعه‌گری در ترکیه هیچگاه به هم پیوند نخورده‌اند. شیعیان ترکیه (علویان) عمدتاً طرفدار لایبسم هستند و دین باوری آن‌ها بیشتر شکل و شمایل طریقت‌گرایی دارد. هرچند رویکردهای گشایش محور در دولت کنونی ترکیه باعث همگرایی شیعه‌وسنی در جامعه می‌شود، ولی تا تحقق این امر فاصله زیادی هست.

- تأثیر فرهنگی غرب که به جهت ضعف ساختارهای اجتماعی به جای مانده از تسلط کمونیسم، کارکرد اساسی در هویت بخشی نوین جامعه آذربایجان دارد.  
- سوء تفاهات روزافزون و حل نشده با ایران که در حال تبدیل به یک جریان ریشه دار اجتماعی &مدنی است و در صورت ادامه این روند، آذری‌های آن سوی ارس با ایران به منزله کانون اصلی شیعه‌گری روز به روز بیگانه‌تر خواهند گشت.

ارزبایی و نتیجه‌گیری  
ژئوپلیتیک شیعی را با گستره جغرافیایی از پاکستان تا دریای مدیترانه و از کوه‌های قفقاز تا خلیج فارس، می‌توان ژئوپلیتیک نوظهور و ممتاز قرن 21 نامید که سبب ایجاد تحولات بنیادین در ترتیبات برخی مناطق جهان به ویژه خاورمیانه، قفقاز جنوبی و مدیترانه خواهد شد. این تحولات فرصت‌های زیادی را پیش روی بازیگران منطقه‌ای قرار می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در صورت استفاده صحیح و به موقع از این فرصت‌ها، می‌تواند بزرگ‌ترین برنده این دگرگونی‌ها باشد. اما جمهوری آذربایجان که یکی از پتانسیل‌های اصلی برای شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعی است، با ادامه روند کنونی به جای هم‌افزایی و تقویت جهان شیعی به عاملی در جهت تضعیف جریان همگرایی اسلامی-شیعی و منطقه‌ای تبدیل خواهد شد. در این میان مناقشه قره‌باغ به عنوان کلید اصلی تصمیمات استراتژیک مقامات باکو تلقی می‌شود و آمریکا بی‌ها دقیقاً با استفاده از همین کلید به پی‌ریزی هم‌پیمانی-که خودشان آن را استراتژیک می‌نامند- دست زده‌اند و اکنون که با توحالی درآمدن وعده‌های غربی و برآورده نشدن انتظار آذری‌ها از دنیای غرب، نوعی خلاء در مناسبات آذربایجان &غرب مشاهده می‌شود، فرصت مناسبی برای سایر بازیگران است تا دایره نفوذ خود در این جمهوری ثروتمند شیعه را گسترده‌تر و عمیق‌تر نمایند.

شواهد حکایت از این دارد که روسیه در این زمینه دست به اقدامات موثری زده است، ولی از سوی ایران اقدام اساسی که تاکنون منجر به نتیجه روشنی شده باشد، دیده نشده است. باید به این نکته اساسی توجه داشت که جمهوری آذربایجان در موقعیتی قراردادی که برای کشوری مثل ایران نمی‌تواند حالت خنثی داشته باشد، ایران باید یکی از دو گزینه جذب جمهوری آذربایجان به طرف خود (حتی در صورت داشتن مناسبات گسترده با غرب) و یا رها کردن این کشور در دل ساختارهای سیاسی &امنیتی غرب و بلوک ضد ایرانی را انتخاب کند. در این خصوص علاوه بر روابط و مناسبات رسمی و بین‌دولتی، نقش نهادهای مدنی غیردولتی و رسانه‌ها بسیار موثر است که در مورد اخیر تاکنون این نقش عمدتاً کارکرد منفی در نزدیکی دو کشور داشته است. رسانه‌های دو کشور باید دست به بازتعریفی مناسب از جوامع دو کشور بزنند. رسانه‌های و محافل ایرانی باید این جمهوری را به عنوان یک کشور مستقل دارای حق حاکمیت بر تمامیت ارضی خود و با نام رسمی آن بشناسند و رسانه‌های آذری نیز باید به این واقعیت برسند که با طرح مسایل تفرقه‌انگیز قومی و ارایه تصویری افراطی از سیاست‌های دینی ایران طرفی نخواهند بست.

دیپلماسی رسمی کشور نیز باید در عرصه‌های اختلافی نظیر رژیم حقوقی خزر با نگاه گشایش‌گونه به تعامل بپردازد و در حوزه‌هایی چون مناقشه قره‌باغ، ایران می‌تواند به سبب روابط اقتصادی راهبردی با ارمنستان، در تن دادن این کشور به قطعنامه‌های شورای امنیت و توافقات پیشین موثر باشد و با توجه به رضایت آذربایجان به میانجی‌گری ایران، از این طریق وارد فرآیند حل مناقشه قره‌باغ که گره‌گاه صلح و ثبات و امنیت قفقاز جنوبی است، بشود. فرآیندی که حق مسلم ایران حضور موثر در آن است. البته مخالفت گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به مثابه نهاد کهنه شده غربی با ورود ایران به این عرصه قابل پیش‌بینی است.  
از این رو نقش ایران را نباید منحصر به عضویت رسمی در گروه‌های میانجی‌گر دانست. ایران در این زمینه می‌تواند، مانند ترکیه نقشی تأثیرگذار و تسهیل‌گر داشته باشد. قدر مسلم این است که جغرافیای سیاسی نوین شیعه در دنیا شکل گرفته و ایران نمی‌تواند و نباید از فرصت‌های این جغرافیای نوین غافل شود. اکنون برای همگرایی بین اجزاء این جغرافیا باید روشهای کهنه شده و خطاهای آزموده شده قبلی را به کنار نهد و در کسوت یک قدرت محور و عامل مرکزی در شکل‌گیری این قدرت منطقه‌ای ظاهر شود. البته این به معنای نادیده انگاشتن سایر عوامل همگرایی به عنوان گزینه‌های مختلف و نگاه جامع به همه این گزینه‌ها در راستای منافع ملی نیست.

برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

<http://www.ekopolitik.org/public/news.aspx?id=823&pid=381>

[http://www.bilgesam.org/tr/index.php?option=com\\_content&view=article&id=106.2](http://www.bilgesam.org/tr/index.php?option=com_content&view=article&id=106.2)

<http://www.hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberid=4848&id=40296.3>

<http://www.tumgazeteler.com/?a=5042084.4>

پایان پیام.